

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال پانزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۴۰۰  
صفحه ۳۳۱ تا ۳۴۸

## پیامدهای اجتماعی حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی از منظر آیت الله خامنه‌ای

هاشم فرج زاده جیدرقی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه

آزاداسلامی، سمنان، ایران hashemfarajzadeh500@yahoo00.com

علیرضا صابریان / استادیار دانشگاه آزاداسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه

آزاداسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول) alirezasaferian@gmail.com

رضا کھساری / استادیار دانشگاه آزاداسلامی، گروه الهیات، واحد سمنان، دانشگاه آزاداسلامی، سمنان، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد است تا پیامدهای اجتماعی حرمت ربا در الگوی اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار دهد. بنابراین سؤال پژوهش حاضر این است که پیامدهای اجتماعی حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی شامل چه مواردی است؟ به عبارتی، کاربست نفی و حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی، چه نتایج اجتماعی در پی دارد؟ فرضیه نوشتار این است: مقابله با تکاثر ثروت و نفی فاصله طبقاتی، مبارزه با ظلم و فساد در جامعه و همچنین پیشگیری از عدم تعادل در نظام اجتماعی از جمله پیامدهای اجتماعی حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی از نظر آیت الله خامنه‌ای هستند. نتایج نشان می‌دهد، اگر شیوه‌های اقتصادی جامعه بر مبنای ربا تداوم یابند، مشکلات و مسائل اجتماعی از جمله فاصله طبقاتی، اشرافیت و تجمل‌گرایی، انحرافات در نظام اجتماعی و همچنین رذایل اخلاقی بر امور تسلط می‌یابند. همچنین دین اسلام بر مبنای اعتدال و عدالت محوری بنا شده است و ربا از بین برنده عدالت و اعتدال است. از بین بردن آثار اجتماعی ربا نیازمند از بین بردن این شیوه در مناسبات اقتصادی افراد جامعه است که امروزه وظیفه دستگاه قضایی است که بتواند، تحقق بخش سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد. اجرایی کردن بانکداری بدون ربا یکی از راهکارهای اساسی برای نفی و حرمت ربا در جامعه اسلامی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

**کلیدواژه:** ربا، اقتصاد مقاومتی، آیت الله خامنه‌ای، پیامدهای اجتماعی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۳/۱۲

## مقدمه

اقتصاد مقاومتی بخشی از اقتصاد اسلامی و منبعث از آن است و اگر اقتصاد اسلامی به عنوان یک منظومه، ربا را نفی می‌کند و بر حرمت آن تأکید می‌کند، به طریق اولی، ربا نیز در اقتصاد مقاومتی جایگاهی ندارد. بنابراین منظومه گسترده اقتصاد اسلامی در ابعاد مختلف آن با استناد به آیات و روایات، بر نفی و حرمت ربا و بنا شدن اقتصاد اسلامی بدون توجه به اقتصاد ربوی است. این مسأله در معاملات و قراردادهای و همچنین در پس انداز و سرمایه گذاری و از همه مهم تر بانکداری اسلامی مورد توجه است. اما در راه رسیدن به این وضعیت آرمانی، فاصله میان گفتار و عمل بسیار است و به همین دلیل، امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای اسلامی و از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران، یافتن راه‌حلی برای مقابله با بانکداری ربوی و جایگزین شیوه‌های اسلامی پذیرفته شده در عرصه‌های اقتصادی است. مهم‌ترین نگرانی در این زمینه، آثار و پیامدهای اجتماعی ناگواری است که اقتصاد ربوی در پی دارد. از جمله اینکه در زمره مظاهر ظلم و ستم است و کانون ثروت را در نزد عده‌ای خاص، تمرکز می‌نماید.

دین اسلام در زمینه‌های جزئی از جمله شیوه‌های اقتصادی مطلوب که باعث توزیع اموال میان فقرا و کاهش فاصله طبقاتی می‌شود، ادله‌های مناسبی می‌آورد و شیوه‌های ناسالم اقتصادی از جمله ربا را طرد می‌نماید. حتی در زمان صدر اسلام، زمانی که مردم، اسلام آوردند درآمدهایی از ربا و اموال حرام در اختیار داشتند و افراد به سراغ این درآمدها در بین‌داری - های خود می‌رفتند و آنها را صدقه می‌دادند، اما خداوند آنان را از این کار نهی فرمود. صدقه دادن جز از درآمد پاک و حلال درست نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۵: ۷۶۴). بدین ترتیب دین اسلام هرچند اقتصاد و برنامه‌های اقتصادی برای اداره زندگی و جوامع را مورد توجه قرار می‌دهد، اما مخالف هدف بودن اقتصاد و زندگی اقتصادی در زندگی انسان است و سعادت واقعی را ورای دنیای مادی توصیف می‌کند. به این دلیل که دارایی و ثروت ابزار خواهش‌های نفسانی است (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۷۵). بنابراین، با پذیرش این مفروضه‌ها که دین اسلام، مالک حقیقی را خداوند متعال معرفی می‌کند و اقتصاد را وسیله و نه هدفی ذاتی تلقی می‌کند، می‌توان به بررسی شاخصه‌ها و ابعاد اقتصاد اسلامی پرداخت.

یکی از رویکردهای اقتصادی مهمی که امروزه مورد توجه قرار گرفته است، اقتصاد مقاومتی است که توسط رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان شده است. این رویکرد ریشه در مبانی فقهی دارد که البته طرحی برای برون‌رفت جامعه اسلامی از مشکلات و مسائلی است که در اثر عوامل داخلی و خارجی پدید آمده است. در این شیوه نیز به سیاق

اقتصاد اسلامی، بر نفی و طرد ربا و در نظر گرفتن اقتصاد به عنوان وسیله‌ای برای سعادت دنیوی و اخروی توجه نشان داده شد. همچنان که سایر روش‌های اقتصادی دارای آثار و پیامدهای اجتماعی هستند، اقتصاد مقاومتی نیز با تأکید بر نفی و طرد ربا، آثار قابل توجهی بر جامعه اسلامی می‌گذارد که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود. بنابراین تلاش پژوهش حاضر آن است که پیامدهای اجتماعی حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی را مورد کنکاش قرار دهد که البته با تأکید بر آراء نظریه پرداز اصلی آن یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌شود. به عبارتی این فرض پذیرفته شده است که اقتصاد مقاومتی بر مبنای نفی ربا سامان داده شد و سپس به بررسی آثار و پیامدهای این الگوی اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی پرداخته می‌شود.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

موضوع ربا و ارتباط آن با اقتصاد اسلامی جایگاه مهمی در مباحث فقهی و تحقیقات علمی پیدا کرده است. به همین دلیل، نسبت سنجی ربا و اقتصاد مقاومتی یکی از محورهای جدید تحقیقات و پژوهش‌های علمی است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

سیفلو (۱۳۹۵) در مقاله طراحی الگوی بانکداری مقاومتی؛ مطالعه موردی بانک نیازهای اساسی، مفهوم جدیدی تحت عنوان بانکداری مقاومتی را ارائه می‌دهد که در محور منابع، مصارف و عملیات تشریح شده است. گودرزی و باقری (۱۳۹۵)، در مقاله بررسی نقش ربا در اقتصاد اسلامی به بررسی آثار سوء ربا در اقتصاد و از جمله اقتصاد اسلامی می‌پردازند و با استناد به آیات و روایات دینی نشان می‌دهند که ربا از جمله عوامل نابودی اقتصاد اسلامی است. میلانی (۱۳۹۴) در مقاله اقتصاد مقاومتی و خودباروی ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، اقتصاد مقاومتی را راهکاری برای مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارهای اقتصادی و نهادهای فرسوده اقتصادی می‌داند که با تأکید بر تولید داخل و خوداتکایی، اقتصاد وابسته را به اقتصادی پویا و پیشرو مبدل می‌سازد. قلیچ (۱۳۹۳)، بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا در پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به این نتیجه می‌رسند که عدم همبستگی و هماهنگی نهادهای پولی و مالی با یکدیگر، فقدان برنامه کامل بانکداری اسلامی، عدم جامعیت قانون، سپرده‌گذاری و متقاضیان تسهیلات، عدم تبیین ابعاد عدالت اقتصادی و بی‌توجهی به تقویت پایه‌های شفافیت از جمله مشکلات حوزه بانکداری است که باعث ایجاد موانع تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شود. میرمعزی (۱۳۹۲) نیز در مقاله خود با عنوان اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، به تاریخچه، دلایل و علل مطرح شدن اقتصاد مقاومتی در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته است. نویسندگان نتیجه گرفته است که اصول راهبردی از

جمله مدیریت جهادی، اصلاح الگوی مصرف و تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها، مهم‌ترین ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی هستند. شعبانی و نخلی (۱۳۹۲)، در مقاله مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج و در بیان مقام معظم رهبری، به بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری می‌پردازند و این نوع از اقتصاد را مؤثرترین ابزار برای مقابله با شرایط تحریمی و همچنین ثبات اقتصادی می‌دانند. منظور و یادپور (۱۳۸۹)، در مقاله خود با عنوان بررسی تطبیقی حرمت ربا در اسلام و مسیحیت، ربا و تحریم آن از سوی اقتصاد اسلامی را یکی از مؤلفه‌های متمایزکننده اقتصاد اسلامی از سایر مکاتب اقتصادی معرفی می‌کنند و بر این باور هستند که اقتصاد اسلامی می‌بایست آثار هرگونه ربا را در برنامه‌های اقتصادی از بین ببرد.

پژوهش‌های حاضر هرچند ارتباط میان اقتصاد مقاومتی و ربا را مورد توجه قرار داده‌اند و از این منظر با موضوع حاضر همخوانی و هماهنگی دارند، اما وجه تمایز تحقیق حاضر از تحقیقات پیشین این است که آثار و پیامدهای اجتماعی حرمت ربا را از منظر اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار می‌دهد. بدین معنا که نفی و حرمت ربا در اقتصاد اسلامی به‌طور اعم و اقتصاد مقاومتی به‌طور اخص، دارای آثار و پیامدهایی در عرصه‌های اجتماعی است که بدان‌ها پرداخته می‌شود. بنابراین جنبه سلبی اقتصاد ربوی و جنبه ایجابی اقتصاد مقاومتی از اهم مسائل مطروحه در پژوهش حاضر است.

## ۲. مبانی نظری تحقیق؛ اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به انگلیسی Resistance economy روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، با کمترین وابستگی به خارج از کشور در خصوص نیازهای اساسی و راهبردی است. اقتصاد مقاومتی از لحاظ تاریخی ریشه در تحولات سال‌های اخیر مخصوصاً از دهه ۱۳۹۰ ه.ش دارد. با توجه به اینکه در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شد و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. این اصطلاح اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» معرفی نمودند.

به لحاظ کاربردی نیز اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تاکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود. مقام معظم رهبری یکی از ارکان و لوازم اقتصاد مقاومتی را کارآفرینی و حمایت از تولید ملی می‌داند. چنانچه می‌فرمایند: «یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است... حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد. واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید... اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲).

اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار در سال ۲۰۰۵ پس از محاصره غزه توسط اسرائیل که مواد غذایی و دیگر امکانات برای تولید و پیشرفت اقتصادی را نیز شامل می‌شد و ناتوانی غزه در صادرات، امکان صادرات و کشت بسیاری از محصولات کشاورزی از جمله توت فرنگی را کاهش داده بود مورد استفاده قرار گرفت و ضوابط و معیارهای حاکم بر مفهوم اقتصاد مقاومتی شناسایی گردید. برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

اقتصاد مقاومتی یعنی شناسایی حوزه‌های فشار و تلاش برای بی اثر کردن و کنترل آن‌ها است. برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است که وابستگی‌های خارجی تقلیل یافته و برای افزایش تولید داخلی کشور و خوداتکایی تلاش کرد. اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدید و دارای یک بار ارزشی در فرهنگ دینی است، با این وجود مفاهیم در این زمینه و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به خصوص در حوزه اقتصاد در دنیا با سابقه است. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل "اقتصاد مقاومت" و یا "قدرت اقتصادی"، فراوان وجود دارد. با توجه به تعاریفی که در بالا از اقتصاد مقاومتی آمد می‌توان

گفت: اقتصاد مقاومتی اقتصادی کارآفرین است که در شرایط تحریم و فشار با استواری به مسیر خود ادامه داده و وابسته به بیرون نیست و درون‌زاست. اما درون‌زایی به معنای فراموش کردن عناصر بیرونی است، بلکه اقتصاد مقاومتی اقتصادی منعطف است که می‌تواند با استفاده از فرصت‌های بین‌المللی به بازسازی درونی خودش پردازد. بنابراین اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با کارآفرینی و تولید برون‌زا و مقاوم، در شرایط سخت می‌تواند از ایجاد بحران در کشورها جلوگیری کند و از سوی دیگر بر مبنای قاعده نفی سیل، هر گونه راهی برای تسلط بیگانگان بر مسلمانان را مسدود کند. تعریفی که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی ارائه می‌دهند، بدین گونه است: «اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است؛ این مجموعه اگر فقط در زیر نام اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار بگیرد، ممکن است چندان منشأ اثر نباشد؛ من علاج را در این می‌بینم که این مجموعه را به نقاط مهم تقسیم کنیم و برای هر نقطه‌ی کلیدی و مهمی یک فصلی از زمان را قرار بدهیم، و از مسئولین و افراد شاخص و از آحاد مردم بخواهیم که همه همّت خود را بر روی آن نقاط کلیدی متمرکز کنند؛ به نظر من علاج در این است که این نقطه‌ی کلیدی را امسال درست شناسایی کنیم. به اعتقاد من این نقطه‌ی کلیدی عبارت است از تولید داخلی، اشتغال و عمدتاً اشتغال جوانان؛ اینها نقاط کلیدی است» (بیانات رهبری در پیام نوروزی، ۱۳۹۵/۱۲/۳۰).

با توجه به اهمیت اقتصاد مقاومتی، فراهم کردن شرایط مناسب فرهنگی و اجتماعی برای تحقق آن امری لازم و شایسته است. بنابراین نهادهای فرهنگی و متولیان آموزش و فرهنگ کشور می‌بایست بر ضرورت‌های فرهنگی اقتصاد مقاومتی بیشتر توجه نمایند. بنابراین نقش فرهنگ در تحقق اقتصاد مقاومتی بسیار مهم و حائز اهمیت است. به عنوان مثال در زمینه نقش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌توان گفت با توجه به تغییر و تحولات موجود در عرصه جهانی که هر از گاهی اقتصاد کشورها را متزلزل کرده و با بحران روبرو می‌سازد، نظام آموزش عالی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی، نیازمند دانشگاه‌هایی است که از نظر ساختار سازمانی، سرمایه انسانی، فرایندهای آموزشی و پژوهشی و غیره زمینه‌ساز تحقق فرایند تاب‌آور، پویا و مقید به آرمان‌های نظام اسلامی، متخصص و دانش بنیان است تا بتواند ضمن فراهم نمودن زمینه رشد و توسعه اقتصادی از به وجود آمدن بحران‌های اقتصادی در آینده جلوگیری کنند (دولتی و مطلبی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). به این دلیل که در اقتصاد مقاومتی تعامل با دنیا وجود دارد و رویکرد برون‌گرا در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مؤید این رویکرد است. رویکردی که توسط دستگاه دیپلماسی اتخاذ می‌شود و می‌تواند راهی برای تعامل با دنیا نیز باز نماید. به بیان رهبری: «در

اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد؛ منتها گفته می‌شود که اعتماد بایستی به مردم باشد؛ اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا. جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعداد‌های مردم، امکان‌های مردم، سرمایه‌های مردم. تدبیری اندیشه بشود که این سرمایه‌ها، این استعدادها، این ظرفیت‌ها به کار و تولید در داخل و ثروت‌سازی و ایجاد ثروت در داخل بینجامد؛ این تدبیر می‌خواهد. نگاهمان به خارج نباشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۱/۲۸).

اقتصاد مقاومتی، برگرفته از آموزه‌های حقیقی دین اسلام است که تمرکز عمده آن بر تولید داخلی و به کارگیری روش‌های توصیه شده در دین اسلام است که مهم‌ترین عواید آن، جلوگیری از سیطره غیرمسلمانان بر مسلمانان است. بنابراین، اصول فقهی و شیوه‌های مطلوب اقتصادی که در دین اسلام مورد تصریح قرار گرفته است، در مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی موج می‌زند. از این‌رو، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردم‌سالار و مبتنی بر تولید ملی و داخلی است. به بیان مقام معظم رهبری: «در اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد؛ منتها گفته می‌شود که اعتماد بایستی به مردم باشد؛ اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا. جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعداد‌های مردم، امکان‌های مردم، سرمایه‌های مردم. تدبیری اندیشه بشود که این سرمایه‌ها، این استعدادها، این ظرفیت‌ها به کار و تولید در داخل و ثروت‌سازی و ایجاد ثروت در داخل بینجامد؛ این تدبیر می‌خواهد. نگاهمان به خارج نباشد» (بیانات رهبری در دیدار به مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

بدین ترتیب اقتصاد مقاومتی با توسل به آموزه‌های دینی و فقهی و همچنین در نظر گرفتن مصالح عمومی جامعه اسلامی، الگوی جدیدی از اقتصاد اسلامی محسوب می‌شود که برخلاف رویه‌های مسلط اقتصادی، اقتصاد را امری مردمی، دینی و در راستای سعادت دنیوی و اخروی آنان طراحی می‌کند. به عبارتی دیگر، الگوی اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که هم بر مشکلات اقتصادی فائق آید، هم دشمن را در تهدیدهای اقتصادی خود ناکام سازد، و هم در جهان کنونی، با حفظ دستاوردهای کشور و تداوم پیشرفت‌ها و تحقق آرمان‌ها، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. از سوی دیگر در متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به ویژگی‌های دیگری از جمله رویکرد جهادی، انعطاف‌پذیری، مولد بودن، فرصت‌سازی و انعطاف‌پذیری این الگوی اقتصادی اشاره شده است که می‌توان این تعابیر را به عنوان تعریف جامعی از الگوی اقتصاد مقاومتی در نظر گرفت (شعبانی و نحلی، ۱۳۹۳: ۷۲). بدین ترتیب، نگرش اقتصاد مقاومتی

نسبت به اداره جامعه برگرفته از احکام و آموزه‌های دینی است و اگر احکام دینی، روشی را حرام اعلام نموده است، هرگز نمی‌توان جایگاهی برای آن روش در اقتصاد مقاومتی پیدا کرد.

### ۳. پیامدهای اجتماعی حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی

با توجه به اینکه مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را مورد توجه قرار داده‌ایم، پرسش اصلی این است که پیامدهای اجتماعی حرمت ربا از نظر اقتصاد مقاومتی از منظر نظریه پرداز اصلی آن یعنی مقام معظم رهبری شامل کدام موارد است؟ به عبارتی دیگر، حرمت ربا که حتی بخش مهمی از شکل‌گیری و تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی است، چه پیامدهای اجتماعی برای جامعه اسلامی در پی دارد؟

#### ۱-۳. مقابله با تکاثر ثروت و نفی فاصله طبقاتی

یکی از آثار و پیامدهای ربا آن است که به دلیل آنکه سرمایه غیرمولد را در جامعه ایجاد می‌کند، باعث ایجاد نابرابری در میان افراد جامعه می‌شود و ثروت را در نزد عده‌ای قلیل جمع می‌کند. این موضوع نیز در اقتصاد اسلامی پذیرفتنی نیست که یک شخص حقیقی یا حقوقی، یک خانوار، یک شهر و یا منطقه خاص، سرمایه زیادی را انباشت نماید و از سوی دیگر، اشخاص حقیقی و حقوقی دیگری در همان جامعه به شدت در تنگنا و سختی باشند (شفیعی ثابت و صدیقی، ۱۳۹۵: ۹۳). استدلال‌های مطرح شده درباره نفی و حرمت ربا به دلیل پیامدهای اجتماعی مخرب آن در جامعه است که با ریزش جریان سود از طبقات پایین‌تر به طبقات ثروتمندتر، باعث عمیق‌تر شدن شکاف اقتصادی بین اغنیاء و فقرا در یک جامعه می‌شود (نوری کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). زیرا در این شیوه از معامله، ارزش افزوده در اختیار مالکان قرار می‌گیرد و عملاً تولیدی صورت نمی‌گیرد. بنابراین رباخوار همواره سود می‌کند و در مقابل، قرض‌گیرنده تمام ریسک مال را بر عهده می‌گیرد. روشن است که در چنین جامعه‌ای، روز به روز فاصله میان غنی و فقیر بیشتر خواهد و اختلاف طبقاتی عمیقی در جامعه حاکم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰: ۴۱). به همین دلیل در آموزه‌های اقتصادی اسلام، ربا به دلیل فساد و ظلم و از دست رفتن ثروت‌ها حرام اعلام شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۸: ۱۲۱). بنابراین در عرصه اجتماعی، ربا می‌تواند نشانه‌ای از فساد، گسترش فاصله طبقاتی، ظلم، ظهور پول راکد و سرمایه غیرمولد تلقی شود و عاملی برای گسترش شکاف اقتصادی میان طبقات در جامعه است.

به نظر می‌رسد با توجه به نگرش اقتصاد مقاومتی نسبت به برقراری عدالت، کاهش و از بین بردن فاصله طبقاتی، توجه به حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی می‌تواند این معضل اجتماعی را از بین ببرد. زیرا پیامدهای منفی ربا باعث بروز ناهنجاری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی



متعددی می‌گردد که می‌تواند نظام اسلامی را نیز تهدید نماید. اما در نگرش اقتصاد مقاومتی، نفی و حرمت ربا به مثابه گامی برای برقراری عدالت و کاهش فواصل طبقاتی در نظر گرفته می‌شود. به بیان رهبری انقلاب که درباره پیامدهای اجتماعی فقدان عدالت اقتصادی چنین می‌فرماید: «تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد با تأکید بر موارد زیر: جبران نابرابری‌های غیرموجه درآمدی از طریق سیاستهای مالیاتی، اعطای یارانه‌های هدفمند و سازوکارهای بیمه‌ای. تکمیل بانک اطلاعات مربوط به اقشار دو دهک پایین درآمدی و به هنگام کردن مداوم آن. هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن یارانه‌های غیرآشکار. تأمین بر خورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی» (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲). سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز با تأکید بر رعایت عدالت طراحی شده است و از این جهت، رویکردهای مدیریتی در عرصه بانکداری، وام‌دهی، اعطای تسهیلات به مردم و ... می‌بایست بر مبنای نفی و حرمت ربا صورت گیرد. زیرا وجود رویکرد ربوی در نظام اقتصاد اسلامی، باعث گسترش نابرابری در جامعه اسلامی خواهد شد که به نوبه خود می‌تواند تهدیدات اجتماعی را در جامعه گسترش دهد و فقر را در جامعه نهادینه سازد. به همین دلیل است که اصول اقتصاد مقاومتی که رهبری انقلاب مطرح کرده‌اند، نیازمند بهره‌گیری از بانکداری اسلامی، به کارگیری شیوه‌های مرسوم در دین اسلام، پرهیز از ربا، تکیه بر تولید و اشتغال و همچنین گسترش فرهنگ انفاق در جامعه است. در همین راستا رهبری معظم انقلاب در راستای اقتصاد مقاومتی بیان می‌کنند: «در عین حال مسائل جدیدی وجود دارد. در زمینه اقتصاد، مسائل تازه‌ای وجود دارد. مثلاً بانکداری اسلامی را به وجود آورده‌ایم. امروز مسائل تازه‌ای در زمینه پول و بانکداری وجود دارد؛ اینها را بایستی حل کرد؛ باید اینها را در بانکداری اسلامی - بانکداری بدون ربا - دید» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای خبرگان، ۱۳۹۰/۶/۱۷).

با توجه به اهمیت مقابله با تکاثر ثروت نامشروع در نظام اسلامی و جلوگیری از تضییع حقوق افراد جامعه، وظایف دستگاه‌های مختلف از جمله قوه قضاییه آن است که با در نظر گرفتن قانون اساسی، از مجرای اصل ۹۰ و اصل ۱۵۶، نقش مهمی در جهت مقابله با مفاسد اداری و از جمله رباخواری داشته باشد. همچنین ذیل فصل نهم قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است که در آن به تسهیل رقابت اهتمام شده و از این جهت منع ربا در معاملات، بخش مهمی از فرایند ایجاد رقابت و جلوگیری از تکاثر ثروت نامشروع

در بخش‌های مختلف جامعه است. این اصول به طور مشخص، ثروت اندوزی بر مبنای روش‌های نامشروع نظیر ربا را از دو جهت؛ ناسازگاری با آموزه‌های دینی و همچنین پیامدهای اجتماعی نامطلوب، نادرست می‌دانند. رویکرد قوه قضائیه نسبت به پدیده تکاثر ثروت، مقابله با رباخواری و رباخواران و همچنین برقراری نظام عادلانه برای دسترسی همه افراد به مزایای اقتصادی و اجتماعی است. در همین راستا، سیاستگذاران دستگاه قضائی رسیدگی تخصصی همراه با سرعت متناسب را سازوکاری مفید برای پیشگیری از رباخواری پنداشته‌اند. مسئولان عالی دستگاه قضائی با توجه به نقش مؤثر اقدام‌های غیر کیفری در پیشگیری از جرم (از جمله جرم‌های اقتصادی نظیر رباخواری را) در پرتو ماده ۱۷ این دستورالعمل، به تأسیس دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری و پیشگیری از مفاسد اقتصادی پرداختند. این دفتر، مکلف شده با استفاده از دیدگاه‌های متخصصان و تعامل با دیگر نهادهای متولی در زمینه مقابله با جرم‌های اقتصادی، در راستای امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و حمایت از آنها فعالیت کند. به نظر می‌رسد مقابله با رباخواری و ثروت‌اندوزی از این مسیر، مورد توجه این نهادها باشد.

### ۲-۳. مبارزه با ظلم و فساد در جامعه اسلامی

مبارزه با فساد یکی از اهداف اساسی نظام‌های اقتصادی از جمله اقتصاد اسلامی است. با توجه به اینکه ربا از جمله مظاهر فساد در جامعه است و حتی خیر و برکت را از زندگی فردی و اجتماعی از بین می‌برد، حرمت آن راهی برای مقابله با مفاسد اقتصادی و اجتماعی است. چنانچه در این زمینه بیان شده است که مال حرام رشد نمی‌کند و زیاد نمی‌شود و اگر هم رشد کند، برکت نخواهد داشت (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۱۲۵). ربا به عنوان شیوه‌ای حرام در اقتصاد، به مثابه ترویج فساد در جامعه است. زیرا باعث ظلم می‌شود و رباخوار در جهت خلاف آموزه‌های اسلام عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا عدالت در جامعه تحقق یابد (حدید/ آیه ۲۵؛ انعام/ آیه ۱۵۱؛ مائده/ آیه ۸؛ بقره/ ۲۷۹-۲۷۸). فساد و ظلم ناشی از ربا تا حدی است که خداوند متعال، حتی برخی حلال‌ها را نیز رباخواران حرام اعلام کرده است. در آیات شریفه بیان شده است که خداوند برخی حلال‌ها را به سبب ظلم یهودیان و رباخواری آنان، بر آنان حرام اعلام کرد (سوره نساء آیات ۱۶۱-۱۶۰). با پذیرش نقش ربا در انباشت مال حرام، ظلم و ستم در جامعه، مقابله با انواع فساد از جمله شیوه‌های نابرابر و ناعادلانه می‌بایست یکی از اهداف نظام اقتصاد اسلامی و به طور مشخص اقتصاد مقاومتی باشد.

در این زمینه، رهبر انقلاب اسلامی بیان می‌کنند: «در زمینه‌ی فساد هم، به بسترهای فسادخیز توجه بشود... یعنی بایستی با نگاه کارشناسی، زمینه‌ی بروز فساد را و تولید فساد را شناسایی

کرد، شناخت و با همان نگاه کارشناسی، به جنگ فساد رفت و برای ریشه کنی فساد تلاش کرد و کار کرد» (بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۷). مبارزه با فساد از ارکان اقتصاد مقاومتی است و ربا به عنوان مظهر فساد جایگاهی در ساختن جامعه مطلوب اسلامی ندارد. چنانچه گفته شده است که خداوند، فرد رباخوار، وکیل، شاهد و کاتب ربا را لعنت نموده است (حر عاملی، ج ۱۲: ۴۳۰). زیرا ربا از اسباب فساد در جامعه اسلامی است. بر این اساس، ربا در اجتماع باعث ایجاد فساد، تمرکز قدرت، نابرابری و کسب درآمدهای نامشروع و در نهایت رواج زندگی تجملی و اشرافی در جامعه می‌شود. با گرایش به زندگی تجملی هزینه‌های مصرف بالا می‌رود و طبیعی است که برای تأمین این هزینه‌ها راه‌های مشروع جوابگو نمی‌باشد و باید از شیوه‌های نامشروع مثل تملق، رانت خواری، ربا و... بهره جست. امام خمینی (ره) در مقوله مزبور می‌فرماید: «این خوی کاخ‌نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود. اکثر این خوی‌های فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۷: ۲۱۸). روشن است که جمع آوری ثروت از راه‌هایی نظیر ربا در واقع تجمع خوی فاسد و تبعیض آمیز و رواج آن در جامعه است. بنابراین وجود شیوه‌های ناسالم اقتصادی نظیر ربا هم عرصه اقتصاد را به نابرابری‌های گسترده تبدیل می‌سازد و هم در عرصه اجتماعی باعث ترویج نابرابری‌های ظالمانه، فساد، تجمل‌گرایی و دوری از فضائل اخلاقی می‌شود.

با عنایت به آثار نامطلوب ربا است که در اقتصاد مقاومتی، توجه به عدالت محوری و دوری از فساد در نظام بانکداری به عنوان یکی از بنیان‌های اقتصاد مقاومتی تأکید می‌شود. نظام بانکداری نیز می‌بایست بر مبنای نفی تبعیض و نابرابری و کمک به تحقق اصل عدالت فعالیت نماید و زمینه‌های فساد را که منشعب از رویکرد ربوی است، از بین ببرد. به بیان رهبری انقلاب: «...خصوصیت بانکداری اسلامی و از لوازم آن، دادوستد پول بر اساس غیر ربا، تنظیم مبادلات پولی بر اساس قوانین اسلامی و معاملات اسلامی صحیح است، که در آنها ظلم و استثمار و کنز و تبعیض و اختلاف طبقاتی و امثال اینها به وجود نمی‌آید» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از آزادگان، ۱۳۶۹/۶/۷). از این رو، معیار سنجش و کارآمدی روش‌های اقتصادی برای اداره امور اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی آن است که مانع ظلم و ستم در جامعه شود و در شکل‌های اجباری بتواند باعث رونق فضای اقتصادی رقابتی و آمیخته با مکارم اخلاقی شود.

در رویکرد اقتصاد مقاومتی، پیامدهای اجتماعی مثبتی نهفته است که از جمله می‌توان به رونق کسب و کار مولد در جامعه اشاره نمود. این رویه در حوزه اجتماعی باعث ترویج فرهنگ رقابت و کارآفرینی می‌شود. زیرا یکی از محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی نیز مباحث

مربوط به نوآوری، تحقیق و توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۵). در این صورت، جامعه به سمت نوآوری، خلاقیت و رقابت سازنده می‌رود و روش‌های مذبوم که تنها با محوریت مبادله پول صورت می‌گیرد، نقشی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی ندارند. بدین ترتیب نفی و حرمت ربا، عاملی برای تحقق عدالت در جامعه اسلامی و مقابله با مظاهر ظلم و بی‌عدالتی در جامعه است. در همین راستا، ربا به این دلیل که سرمایه را برای کارآفرینی و ایجاد سرمایه‌گذاری برای همه افراد جامعه فراهم نمی‌کند، رویکرد عادلانه‌ای نیست. همچنان که در عرصه اجتماعی نیز نمی‌تواند در راستای نیازهای طبقات ضعیف، عملکرد مثبتی داشته باشد. به همین دلیل علت حرمت ربا را بازدارندگی از فعالیت‌های مفید و مولد و بازدارندگی از تأمین نیازهای ضروری مستمندان می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۴۶). بنابراین آنچه روشن است اینکه علت حرمت ربا در نزد فقها و آموزه‌های اسلامی، آثار اجتماعی آن است که باعث شکاف میان فقیر و غنی، گسترش فساد و گسترش رذایل اخلاقی از جمله اشرافی‌گری، ظلم و ستم می‌شود.

مبارزه با ظلم و فساد و مظاهر آن از جمله ربا یکی از اهداف نظام قضایی در جامعه اسلامی است. بر همین اساس، تحصیل مال از طریق نامشروع، یک عنوان کلی است که می‌تواند جرایم و مفاسد بسیاری از جمله کسب درآمد از طریق ربا را در بر گیرد. عنوان مجرمانه «تحصیل مال نامشروع» در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ دیده می‌شود. این ماده می‌گوید: «هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد.» علاوه بر این، پشتوانه برخورد با تحصیل مال از طریق نامشروع از جمله ربا، قانون عملیات بانکداری بدون ربا است. چنانچه مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ ش قانونی را با عنوان «قانون عملیات بانکی بدون ربا» تصویب کرد که از سال ۱۳۶۳ ش اجرایی شد. برطبق این قانون بانک‌ها در برابر تسهیلاتی که به مشتریان‌شان می‌دهند حق دریافت مبلغ نقدی یا جنسی از قبل معین شده را ندارند

و اعطای تسهیلات بانکی از راه عقود اسلامی مجاز انجام می‌شود. بنابراین قوه قضاییه با استناد به همین قانون، به طور مشخص می‌تواند جلوی تحصیل اموال نامشروع از روش ربا را نیز بگیرد. در رویه قضایی عنوان «تحصیل مال نامشروع» یا «تحصیل مال از طریق نامشروع» در همه موارد در معنای داراشدن غیر عادلانه و غیر شرعی مانند استفاده از وجوه نقدی مفقودی یا اموال مسروقه به کار رفته است، در حالی که چه بسا مواردی از این گونه اساساً با مفهوم فساد منطبق نیست. نتیجتاً درباره مفهوم تحصیل مال نامشروع دو نظر در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد: نخست این که منظور از تحصیل مال از طریق نامشروع که در ذیل ماده‌ی ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری به آن اشاره شده است، به قرینه‌ی صدر ماده و با توجه به فلسفه تقنینی و اوضاع و احوال حاکم بر زمان تصویب قانون مذکور باید از نوع و سنخ مصادیقی باشد که در آن ذکر شده است و نه هر گونه تحصیل مال از طریق نامشروع؛ و نظر دوم این که منظور هر گونه تحصیل مالی است که طریق تحصیل آن نه تنها قانونی بلکه شرعی نیز نباشد (دادخدایی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). به طور مشخص، استفاده از ربا در جهت افزایش ثروت، اقدامی در جهت ظلم و ستم در میان افراد جامعه است و البته بدلیل همین آثار سوء اجتماعی و اقتصادی است که دستگاه قضایی در نظام اسلامی درصدد مقابله با این روش و تعریف آن به مثابه یک جرم اقتصادی است.

### ۳-۳. پیشگیری از عدم تعادل در نظام اجتماعی

نظام اجتماعی و اقتصادی در اسلام بر مبنای اعتدال و میانه‌روی بنا شده است. از این جهت هر عاملی که باعث برهم زدن این تعادل شود و یا اینکه نظام اجتماعی را به انحراف بکشاند، مورد قبول نیست. همچنین اسلام مانع رفاه در زندگی نیست، بلکه حتی انسان را دعوت به زندگی بهتر و سالم‌تر می‌کند. در حدیثی از امام سجاد (ع) آمده: پسندیده‌ترین شما نزد خداوند آن کسی است که رفاه بیشتری برای خانواده‌اش فراهم آورد، اما رفاهی که افراطی باشد و موجب اشرافی‌گری گردد بر حذر می‌دارد و انسان را تشویق به قناعت و صرفه‌جویی در استفاده از مواهب و نعمات الهی می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۶۹). بدون تردید، اعتدال و میانه‌روی در زندگی اقتصادی و اجتماعی از ارکان اقتصاد و از پایه‌های اصلی نظام اجتماعی در اسلام می‌باشد. از نظر اسلام، مال و ثروت وسیله‌اند نه هدف، و به همین خاطر، در جهت حفظ کرامت و منزلت فرد، خانواده، جامعه و امت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

با توجه به اینکه ربا باعث شکاف میان طبقات مختلف جامعه می‌شود و جامعه را مسیر متعادل خارج می‌سازد، جایگاهی در اقتصاد اسلامی و از جمله اقتصاد مقاومتی ندارد. در مذمت

ربا بیان شده است که رباخواران، در قیامت همچون دیوانگان محشور می‌شوند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۱۳). در روایت دیگری از امام رضا (ع) نقل شده است که اگر ربا حلال بود، مردم کسب و کار را رها می‌کردند (حر عاملی، ۱۴۱۵: ج ۱۲؛ ۴۲۴). اثر مهمی که ربا برقرار می‌کند تقسیم جامعه به دو قطب غنی و فقیر است. به این دلیل که ربا دهنده به دلیل بدهی‌های مضاعف، ورشکستگی، حاضر به پذیرش انواع ذلت‌ها می‌شود که این رویه هر چند به ظاهر باعث ثروتمند شدن وی می‌شود، اما تعادل در جامعه را بر هم می‌زند و دو قطب مستکبر و مستضعف می‌آفریند (تفسیر المیزان). در این صورت، وجود ربا در جامعه مانعی برای ایجاد تعادل در جامعه و حتی برقراری عدالت می‌باشد. رباخواری نوعی ظلم و ستم است که در حق سایر افراد جامعه اعمال می‌شود و ثروتمندان را بر سریر قدرت می‌نشاند. بنابراین ربا علاوه بر اینکه برخلاف مسیر و آموزه‌های قرآن است، اجازه نمی‌دهد تا عدالت در اجتماع تحقق پیدا کند (آیات ۲۷۸-۲۷۵ سوره بقره و آیه ۱۳۰ سوره آل عمران). بنابراین ربا مانع تحقق عدالت و اقامه آن در جامعه اسلامی است و مکاتب اقتصادی برگرفته از آموزه‌های اسلامی نمی‌توانند بدون توجه به آثار اجتماعی ربا، نظام اقتصادی خود را بنا نهند.

اقتصاد مقاومتی بر مبنای حرمت ربا، نقش عدالت را در تنظیم مناسبات اقتصادی با اهمیت جلوه می‌دهد و از این رو خواهان برقراری نظامی عادلانه و اعتدالی است. رهبر انقلاب در این باره بیان می‌کنند: «... این مقررات بایستی حتماً با نگاه عادلانه تنظیم بشود و مسئولین بنگاه‌ها هم به این نکته توجه بکنند. بنابراین ما در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همین را گفتیم...» (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان تولیدی، ۱۳۹۹/۲/۱۷). بنابراین اقتصاد مقاومتی متکی به عدالت و رویکرد اعتدالی است و هرگز نباید از مسیر توحیدی خود خارج شود. در این صورت، شاکله نظام اسلام بر مبنای اعتدال و عدالت در جامعه ای به وقوع می‌پیوندد که از شکاف عظیم میان ثروتمندان و فقرا، زن و مرد، دارا و ندار برحذر باشد. همان طور که در بیانات رهبری نیز بارها تأکید شده است که آنچه در اسلام مطرح است عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر (بیانات رهبری در دیدار با زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰). در این صورت عدالت اقتصادی و میانه‌روی در اداره امور جامعه در تقابل با رویکرد انحرافی و باطلی است که از ربا بر می‌خیزد. بنابراین اعلام حرمت ربا در اقتصاد، آثار خود را در عرصه اجتماعی نیز بر جای می‌گذارد و باعث ترمیم روابط میان آحاد جامعه و جلوگیری از شکاف‌های اجتماعی بر مبنای غنی و فقیر است. اقتصاد مقاومتی برگرفته از آیات و روایات است و از جهت توجه به اصل اعتدال در اقتصاد مقاومتی می‌توان استدلال کرد که این روش قرآن است که به هنگام

تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، جلو سوءاستفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۴۹-۱۴۸). نفی و حرمت ربا در اقتصاد مقاومتی یکی از نشانه‌های اصلی در جلوگیری از انحراف در جامعه اسلامی و حرکت بر مبنای اعتدال و میانه‌روی است. استدلال این است که ربا از مصادیق فساد است و فساد به معنای خارج شدن شیء از حالت اعتدال است و در نفس، بدن و هر چیزی که از اعتدال خارج شود، کاربرد دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) همچنین فساد در معنای فقهی خود غالباً در مقابل واژگان عدالت و اصلاح قرار می‌گیرد. در واقع فساد هم مترادف با ظلم است، چرا که در ظلم هم از حدود متعارف و شرعی تجاوز می‌شود و اعتدال از بین می‌رود. بنابراین برقراری رویه اعتدالی در جامعه اسلامی نیازمند توجه به اصل عدالت در مناسبات اقتصادی و اجتماعی است. اولین منبع مهم مبارزه با رباخواری، قانون اساسی است. البته در کنار قانون اساسی، قوانین بسیاری نیز که ناظر بر اصول این قانون هستند، قابل ذکر می‌باشند. از جمله در بند ۹ اصل سوم این قانون بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی»، تأکید شده است و همچنین در اصل بیستم به حمایت یکسان قانونی از افراد ملت توجه می‌شود. در واقع یکی از عناصر مهم مبارزه با رباخواری، از بین بردن تبعیض ناروا و تبعیض قانونی در میان افراد جامعه است، که با رعایت اصول فوق، می‌توان از رباخواری هم جلوگیری کرد.

فلسفه حرمت ربا معلوم است؛ و آن ظلم و تجاوز به حقوق دیگران بوده و خارج کردن جامعه از تعادل و میانه‌روی است. با وجود این، فلسفه امکان تمسک به روایات برای فرار از ربا وجود ندارد؛ و بنابر عقیده و مبنای امام(ره) چون فلسفه حرمت آن، ظلم بودن است، امکان تجویز آن هم نخواهد بود. ایشان در تحریرالوسیله، چاپ قبل از انقلاب، تحت عنوان: «القول فی الربا» چنین آورده است: «ذکروا للتخلص من الربا و جوهها مذکوره فی الکتب و قد جددت النظر فی المسأله فوجدت ان التخلص فی الربا غیر جائز بوجه من الوجوه... و اما التخلص منه فغیر جائز من وجوه الحیل». یعنی: «برای تخلص و فرار از ربا راههای فقهی گذشته را بیان کرده‌اند، اما من روی آن مبانی و روایات تجدیدنظر نمودم و این طور دریافت کردم که ربا به هیچ وجهی درست نیست و هیچ کدام از راهها و حیل شرعی حجت ندارد و حرمت ربا در آن راهها باقی است و سپس چون حرمت ربا به خاطر فساد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، این فلسفه در مورد حيله شرعی و غیر شرعی یکسان است (موسوی خمینی، بی تا: ۵۳۸). راجع به عدم ربا بین اعضای خانواده، چنین فتوا داده‌اند: «لا ربا بین الوالد و ولده ولا بین الرجل و زوجته ولا بین المسلم و الحربی...» [۴] و در جای دیگری ربا را منحصر نموده‌اند در کیل و وزن،

آن جا که فرموده‌اند: «كون العوضين من المكيل او الموزون فلا ربا فيما يباع بالعدا او المشاهدة» یعنی «ربا در پیمانهای و وزنی می‌آید و در شمردنی و در غیر آن نمی‌آید.» (همان: ۵۳۹). بنابراین مبنای امام که، ربا ظلم است و موجب رانت خواری، فساد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود که نشانه‌های اصلی خارج شدن مسیر جامعه اسلامی از اعتدال و میانه‌روی است. بدین ترتیب، وظیفه دستگاه قضایی در جامعه اسلامی آن است که با استفاده از ابزارهای نظارتی و قضایی خویش، مانع خارج شدن جامعه اسلامی از مسیر اعتدال و عمل بر مبنای احکام دینی باشد. عمل به اصل برابری و عدالت در مناسبات اقتصادی از سوی دستگاه قضایی بر مبنای آنچه در قانون اساسی، سند چشم انداز، بیانات بنیانگذار انقلاب اسلامی و همچنین رهبر انقلاب اسلامی در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بیان شده است، گام مهمی برای برقراری عدالت و جلوگیری از خارج شدن مسیر جامعه از تعادل است.

### نتیجه گیری

مقابله با تکاثر ثروت و نفی فاصله طبقاتی، مبارزه با ظلم و فساد در جامعه و همچنین پیشگیری از عدم تعادل در نظام اسلامی از جمله محورهای نفی و حرمت ربا هستند که همگی در الگوی اقتصاد مقاومتی مورد نظر رهبر انقلاب اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. با این استدلال که احکام و قواعد اسلامی به این دلیل وضع می‌شوند که هم مانع بروز فساد در جامعه شوند و هم اینکه بتوانند با پیاده کردن احکام الهی، زمینه‌ساز بسط عدالت و زندگی سرشار از صلح و صفا شوند. به همین دلیل نفی و حرمت ربا به دلیل پیامدهای اجتماعی سوء آن است که هم از حیث اقتصادی و هم از حیث اجتماعی باعث دامن زدن به نابرابری‌ها و تسلط اقلیت بر اکثریت می‌شود. در اقتصاد مقاومتی مورد نظر مقام رهبری نیز نفی و حرمت ربا مورد توجه قرار گرفته است و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با آگاهی از نقش مخرب ربا در اقتصاد بر مولد و سازنده بودن اقتصاد اسلامی، پذیرش پویایی و رقابت واقعی در آن، مبارزه با تکاثر ثروت که ناشی از اعمال رباخوارانه در جامعه است و همچنین بهبود فضای اشتغال و برقراری تعادل در جامعه اسلامی تأکید می‌کند. علاوه بر این، اقتصاد مقاومتی با مبنای قرار دادن آموزه‌های دینی از جمله هدف نبودن اقتصاد و ثروت، به مبارزه با مظاهر فساد از یک سو و حمایت از شیوه‌های مولد و تعادل‌بخش از سوی دیگر روی می‌آورد تا بتواند الگوی مناسب اقتصادی را در جامعه اجرا نماید. بنابراین در کاربست رویکرد اقتصاد مقاومتی، توجه به پیامدهای اجتماعی آن بسیار حائز اهمیت است. برای دستیابی به الگوی اقتصاد مقاومتی با محوریت نفی و حرمت ربا می‌توان پیشنهاداتی را ارائه نمود: بانکداری بدون ربا که در اوایل



دهه ۶۰ مطرح شد، سیاست‌های بانکداری بدون ربا را در چند فقره مورد توجه قرار داد که به نظر می‌رسد تحقق اصول بانکداری بر مبنای عمل‌گرایی بانک‌ها مؤسسات مالی، نظارت بر فعالیت‌های ربوی مؤسسات مالی و همچنین مقابله با رباخواران پشتوانه عملی مناسبی برای پیاده شدن اقتصاد مقاومتی باشند. از این منظر، وظیفه دستگاه قضایی است که با رجوع به قانون اساسی، اسناد بالادستی و همچنین پیاده کردن احکام و آموزه‌های دینی، ربا را در عرصه مناسبات اقتصادی از بین ببرد و عدالت، اعتدال و برابری را در جامعه حاکم نماید.

علاوه بر این، راهکار مؤثر برای ترویج بانکداری اسلامی و غیرربوی آن است که بانک‌ها، به بانکداری غیرربوی اعتقاد داشته باشند و بر مبنای آن، نسبت به جذب و راه اندازی سرمایه‌ها در سیستم بانکی کشور اقدام نمایند. با توجه به اینکه بانکداری غیر ربوی می‌بایست نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های مردم و هدایت آنان به سمت چرخه‌های تولید و اشتغال ایفا نماید. امری که اقتصاد مقاومتی نیز بسیار مورد توجه است. از طرفی دیگر، بانکداری غیرربوی در ایران نیازمند رقابت پذیری و مبنای قرار دادن اصل رقابت در امر بانکداری است. یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه، افزایش تعامل و تبادل بین بانکی با سایر بانک‌ها در جهان است، زیرا در اقتصاد مقاومتی تعامل با دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. اما به گونه‌ای که مسأله درون‌زایی را تحت‌الشعاع قرار ندهد. با این رویکرد، بانک‌های داخلی با پذیرش اصل رقابت‌پذیری و بهره‌مندی از تجارب بین بانکی، شیوه‌های تجهیز منابع و جذب سرمایه‌های مشتریان را فرا می‌گیرند. ضمن اینکه بهره‌گیری از چنین روشی نیازمند مقایسه دوره‌های معینی از تجارب داخلی بانک‌هاست که برطرف کننده نقاط ضعف بانکی در زمینه تجهیز و به کارگیری منابع پولی و مالی است. بر این اساس لازم است تا در دوره‌های زمانی معین، محاسبات بانک‌های داخلی بر مبنای شاخصه‌های تعریف شده در حیطه غیرربوی بودن در مقایسه با سایر بانک‌ها صورت گیرد. این راهکار به نحو قابل توجهی می‌تواند چهره ربوی بودن را از ساحت بانک‌ها بردارد و آنان را در فضای رقابتی وارد نماید. دلیل این توصیه آن است که بانک‌ها در ایران تحت مدیریت دولت هستند و هرگز به شکل واقعی نمی‌توانند وارد فضای رقابتی و حقیقی شوند. از این منظر فقدان رقابت میان بانک‌ها باعث نادیده گرفتن حقوق مشتریان و در نهایت سوق یافتن آنان به سمت امور ربوی در اداره بانک‌ها می‌شود. بنابراین بانک‌های دولتی برای خارج شدن از فضای بانکداری ربوی نیازمند پذیرش رقابت در امور بانکداری هستند. امری که در اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید واقع شده است.

## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- امام علی (ع)، (۱۳۷۹)، **نهج البلاغه**، ترجمه و گردآوری جعفر دستی، قم: نشر مشهور.
- حرّ عاملی (۱۴۱۶)، **و سائل الشیعه**، ویراستار عبدالرحیم ربانی شیرازی، قم: نشر آل البيت.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰)، **فساد مالی-اداری و سیاست جنایی مقابله با آن**، تهران: نشر میزان.
- دولتی، حسن، مطلبی، ابوطالب (۱۳۹۶)، تبیین راهبردها، الزامات و پیامدهای اقتصاد مقاومتی در نظام آموزش عالی، **فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزش عالی**، شماره ۳۹، ص ۱۳۹، صص ۱۵۴-۱۳۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق عدنان صفوان، دمشق: دارالعلم.
- سیف‌لو، سجاد (۱۳۹۵)، طراحی الگوی بانکداری مقاومتی؛ مطالعه موردی بانک نیازهای اساسی، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال شانزدهم، شماره ۹۴، زمستان ۹۵، صص ۸۶-۵۵.
- سیوطی، جلال‌الدین محمد (۱۴۰۴)، **تفسیر در المثنوی**، قم: نشر مکتب آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شعبانی و نخلی، احمد و رضا (۱۳۹۲)، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج و در بیان مقام معظم رهبری، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، صص ۸۹-۵۵.
- شفیعی ثابت، ناصر، صدیقی، صابر (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی نگرش نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی به مقوله ربا و پیامدهای قضایی آن، **فصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی**، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۹۰-۱۱۵.
- علمی سولا، محمد صادق، قائمی اصل، مهدی، یعقوبی، جواد، مسگرانی، مهسا (۱۳۹۵)، اتفاق و جایگاه آن در توسعه و ترویج علم و دانش با تأکید بر وقف، **فصلنامه توسعه راهبرد**، شماره ۴۸، زمستان ۹۵، صص ۱۸۴-۱۵۶.
- فشاری، مجید، پورغفار، جواد (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، **مجله اقتصادی**، شماره های ۵-۶، صص ۴۰-۲۹.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵)، **الفروع من الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۰)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، **صحیفه نور**، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (بی تا)، **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۷۸-۴۹.
- نوری کرمانی، محمدامیر (۱۳۸۱)، **موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر**، قم: نشر بوستان کتاب.
- سایت‌ها:**
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>.
- بیانات رهبری در پیام نوروزی، ۳۰/۱۲/۱۳۹۵؛ <http://farsi.khamenei.ir>
- بیانات رهبری در دیدار به مردم آذربایجان شرقی، ۲۹/۱۱/۱۳۹۶؛ قابل بازیابی در سایت: <http://farsi.khamenei.ir>
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان نظام، ۲/۴/۱۳۹۴؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30069>.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس، مورخ: ۱۶/۳/۱۳۹۵؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/content/15232/www.leader.ir>.
- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران حرم رضوی، ۱/۱۰/۱۳۹۷؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39272>.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان نظام، ۲/۴/۱۳۹۴؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30069>.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۲۸/۱۱/۱۳۹۴؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32331>.